

پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای بشر بر اساس دیدگاه‌های آیت‌الله فاضل لنکرانی^{*}

حسین علوی مهر^{**}

چکیده

یکی از ویژگی‌های قرآن، پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف بشر، در ادوار مختلف است. بسیاری از اندیشمندان از جمله آیت‌الله فاضل لنکرانی معتقدند که قرآن بر اساس متن و دلالت‌های آن و نیز ورود به معانی باطنی و قدسی می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای همیشگی بشر در حد اعجاز باشد. برای اثبات آن، مبانی وجود دارد، از جمله: الهی بودن متن قرآن، عدم تحریف، حجیت ظواهر، برخورداری قرآن از بطن، جامعیت و جاودانگی قرآن. هم‌چنین راه‌کارهای مختلفی مانند: حقیقی بودن گزاره‌های قرآنی، وجود احکام ثابت و متغیر در دین، وجود قاعده منطقه الفراغ، اجتهاد پویا، توجه قرآن به قانون و قانون‌گذاری برای پاسخ‌گویی وجود دارد که در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: قرآن، پاسخ‌گویی، نیازهای بشر، آیت‌الله فاضل لنکرانی، باطن قرآن،

جاودانگی

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۶/۱۸.

**دانشیار جامعه المصطفی‌العالمیه و عضو هیئت علمی پاره وقت مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی: halavimehr5@gmail.com

مقدمه

تطور و پیشرفت زمان، نیز بالندگی و تکامل شگرف زندگی انسان، در ابعاد گوناگون همواره پرسش‌های تازه‌ای پیش روی اندیشمندان در حوزه‌های دین پژوهی قرار داده که در پیشرفت و نوآوری در عرصه اندیشه دینی و علوم قرآنی نقش شایانی ایفا نموده است. توقف ناپذیری زمان، توسعه و تکامل خارق العاده اندیشه، فرهنگ، علوم و فناوری و تمدن بشری علی‌الدوام انسان‌ها را با خلأها و نیازهای تازه‌ای در عرصه اندیشه دینی و حیات معنوی رو به رو می‌سازد. پر کردن خلأهای جدید و پاسخ به نیازهای بشر در این عرصه ضرورت مراجعه به قرآن و ژرف اندیشی و نوآوری در آن را به خوبی برای همگان آشکار می‌سازد.

یکی از ویژگی‌های قرآن کریم، توان پاسخ‌گویی به نیازهای بشر در زمان‌ها و عصرهای مختلف است. این ویژگی عظمت قرآن را در محتوا و مرجعیت و منبع بودن قرآن را اثبات می‌کند، تا جایی که ادعای اعجاز قرآن در زمینه تبیین نیازهای بشر شده است.

مهم‌ترین مسئله این نوشتار چگونگی پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای بشر بر اساس دیدگاه آیت الله فاضل لنکرانی می‌باشد. ایشان در آثار متعدد علمی خود اولاً به اعجاز گونه پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای بشر تصریح نموده که این مهم بر اساس مبانی و راه‌کارهای متفاوتی است که به دو راه‌کار در حوزه قواعد و روش می‌توان اشارت نمود.

پیشینه

این موضوع از نظر پیشینه تنها پیشینه عام دارد که می‌توان به کتاب اسلام و مقتضیات زمان؛ استاد شهید مطهری و کتاب قرآن و چگونگی پاسخ‌گویی به نیازهای زمان؛ ابراهیم کلانتری اشارت نمود و پیشینه خاص ندارد.

مفاهیم

اگرچه این بحث نیاز به بررسی مفاهیم واژه‌ها ندارد اما به معنای برخی واژه‌های کلیدی مانند: نیازمندی‌ها، زمان و مکان، جاودانگی و ابدیت اشارت می‌شود:

۱. نیازمندی‌ها: منظور اموری است که ادامه حیات فردی و اجتماعی بشر به لحاظ معنوی و مادی در گرو وجود و تحقق آنها است، به گونه‌ای که اگر آن امور حاصل نشود، حیات معقول بشر نیز صورت تحقق نمی‌پذیرد (کلانتری، قرآن و چگونگی پاسخ‌گویی به نیازهای زمان، ۱۳۶۱: ۴۹).

زمان و مکان: دارای معانی مختلفی هستند، اما به اجمال می‌توان گفت: زمان به معنای «وقت» و مکان به معنای «موضع و محل» است. مراد از زمان و مکان، ویژگی‌های هر عصر و هر محیط است که می‌تواند روی موضوعات احکام اثر بگذارد یا به صورت قرینه حالیه بر مفاهیم نصوص تأثیرگذار باشد (مکارم شیرازی، دایرة المعارف فقه مقارن، ۱۴۲۷: ۱/۲۶۹).

۲. مقتضیات: از قضی و اقتضاء به معنای گذر کردن و قطعی شدن و نیز به معنای عوامل است، اما مقتضیات زمان یعنی ورود عوامل و وسایل بهتر و کامل‌تر و مقتضیات محیط و اجتماع و زندگی بشر به حکم این که به نیروی عقل و ابتکار و اختیار مجهز است و تمایل به زندگی بهتر دارد (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۵: ۳/۱۸۶).

۳. جاودانگی و ابدیت: به معنای همیشگی و ماندگاری است و منظور ماندگاری در بستر زمان و گذر ایام است (کلانتری، قرآن و چگونگی پاسخ‌گویی به نیازهای زمان، ۱۳۶۱: ۴۹).

در هر صورت برای این بحث که قرآن چگونه پاسخ‌گوی نیازهای بشر است نیاز به بررسی مبانی و اصولی و نیز راهکارهای پاسخ‌گویی است چون این نگاه‌ناظر به دیدگاه آیت‌الله فاضل لنکرانی است، تلاش شده است در تمام موارد از دیدگاه این فقیه اندیشمند استفاده شود. در اینجا ابتدا به بحث و بررسی درباره مبانی قرآنی، پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای بشر، سپس به راهکارهای قرآنی پاسخ‌گویی می‌پردازیم.

یکی از ابعاد اعجاز که آیت‌الله فاضل به آن اشاره نموده مبارزه طلبی قرآن در زمینه تبیین نیازهای بشر است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹): «ما بر تو قرآن را فرستادیم که روشن‌گر هر چیزی است». قرآن اساس بیان هر چیزی است، ذکر این صفت «تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» برای قرآن نشان می‌دهد که فرستنده آن نیز بر تمامی پدیده‌ها احاطه دارد، به گونه‌ای که هیچ ذره‌ای در زمین و آسمان از نظر وی پنهان نیست. موجودی که احاطه علمی‌اش تابع وجود ذاتی و محدودش باشد چگونه می‌تواند کتابی بیاورد که بیان‌گر همه چیز است (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۷۱: ۴۸).

نیز آیه فوق بیانگر جامعیت قرآن نیز می‌باشد، اما این سؤال همواره وجود دارد که قرآن بیان‌گر هر چیزی نیست زیرا مشاهده می‌کنیم که به بسیاری از مسائل مهم دینی و فروع فقهی

عملی نپرداخته است. از جمله می‌توان به تعداد رکعات نماز و عبادت‌های دیگر مانند بسیاری از جزئیات روزه، زکات، حج و غیره نیز اشاره کرد، پس قرآن چگونه بیان‌گر هر چیزی است؟ پاسخ این است که قرآن به منزله کتاب قانون یا قانون اساسی می‌ماند و بیان‌گر امور کلی و رؤوس مطالب است ولی برای جزئیات دستور می‌دهد تا به اوامر و نواهی پیامبر عمل نماید، در همین رابطه در آیه هفت سوره حشر می‌فرماید: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا». در واقع قرآن بیان‌گر هر چیزی به طور کلی است و بیان تمامی موارد مربوط به یک چیز نیست و بخش دوم جزو وظایف پیامبر محسوب می‌شود (همان).

دیدگاه‌ها درباره چگونگی پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای بشر

بررسی آرای اندیشمندان قرآنی نشان‌گر آن است که آنان از زاویه‌های مختلف به موضوع نگریسته و پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای بشر را طرح نموده‌اند، برخی با نگاهی قدسی و ماورایی و برخی با نگاه متن محور و برخی با نگاهی جامع‌نگر به تبیین موضوع پرداخته‌اند (کلاتری، چگونگی پاسخ‌گویی به نیازهای زمان، ۱۳۶۱: ۴۹).

آیت الله فاضل اگر چه تصریحی در این موضوع ندارند، اما از مجموع مبانی و راهکارهای قرآنی وی استفاده می‌شود که دیدگاه جامع‌نگر را ترجیح داده و بر اساس متن و علم بی‌پایان الهی است که قرآن می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای بشر نه در حد عادی بلکه در حد اعجاز آن باشد (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۷۱: ۲۷ و ۴۸ - ۵۰).

مبانی قرآنی پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای بشر

پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای بشر بر اساس مبانی خاص قرآنی است، که بدون آن نمی‌توان این موضوع را به اثبات رساند، برخی از مهم‌ترین مبانی که آیت الله فاضل لنکرانی نیز به آن پایبند بوده و در آثار مختلف خود تبیین نموده‌اند عبارتند از:

۱- الهی بودن قرآن

یکی از مهم‌ترین ویژگی قرآن نسبت به سایر کتاب‌های آسمانی که آن را جاودانه و برای همه اعصار قابل استفاده می‌کند، الهی بودن نص آن می‌باشد، که لازمه آن اتقان و برتری آن

می باشد و نیز از لوازم آن حکیمانه، قدسی بودن و سالم از خطاب بودن است، مهم ترین دلیل آن تحدی یا همان هم آورد طلبی بدین معنا که اگر کسی تردید دارد این کتاب از آن خدا هست، حداقل یک سوره مانند آن بیاورد و کسی نیز تاکنون مانند آن در ابعاد مختلف لفظی، ساختاری و محتوایی نتوانسته است بیاورد و این خود نشانه معجزه بودن قرآن است (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۵: ۵۷ و ۵۸). تعابیر قرآنی «ما این کتاب را فرو فرستادیم» (نحل / ۸۹) یا «قرائت کردیم» (قیامت / ۱۸) یا «تلاوت و ترتیل نمودیم» (آل عمران/ ۵۸ و فرقان/ ۳۲).

و نیز تفاوت سبک قرآن و حدیث به ویژه احادیث پیامبر بهترین دلایل و شواهد برای وحیانی بودن متن قرآن است.

آیت الله فاضل در این باره می نویسد: قرآن تنها معجزه جاودان است و خودش بر جاودانگی خودش دلالت می کند و تا روز قیامت اگر انس و جن جمع شوند قادر به ارائه چنین کاری نخواهند بود، حتی اگر به پشتیبانی یک دیگر برخیزند (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۷۱: ۲۷ و ۴۸).

هم چنین در توضیح آیه ۸۸ سوره اسراء می فرماید: «از ظاهر آیه چنین استنباط می شود که آن‌ها (انس و جن) کتابی مشابه قرآن نخواهند آورد، زیرا توانایی انجام چنین کاری را ندارند، قرآن از نظر لفظ و معنا دارای خصوصیات و امتیازاتی است که جن و انس فاقد آن‌ها هستند، به طوری که اگر همه آن‌ها در این طرح مشارکت و همکاری کنند، توانایی انجام چنین کاری را نخواهند داشت، قرآن به خاطر ویژگی درونی خویش معجزه محسوب می شود، انسان‌ها قادر نیستند به این ویژگی دست پیدا کنند (همان).

۲. عدم تحریف قرآن

مفسر قرآن در صورتی می تواند به تفسیر قرآن پردازد و قوانین مورد نیاز را از آن استخراج کند که ثابت کند این همان کتابی است که بدون کم و کاست از جانب خداوند نازل شده و تحریفی در آن صورت نگرفته است. برای استدلال به قوانین قرآن به عنوان کتابی که دستورات آن برای تمام مردم و در تمام اعصار جریان دارد باید ثابت نماید که هیچ نقصان و کاستی در آن وجود ندارد.

آیت الله خویی می نویسد: مشهور بین مسلمانان آن است که تحریفی در قرآن رخ نداده است و کتابی که هم اکنون در دست داریم همان است که بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده است (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۴: ۲۰۰).

آیت الله فاضل می نویسد: قرآن به عنوان تنها معجزه جاودان نبوت و رسالت، از هرگونه تحریفی مصون است، چرا که قرآن تنها برنامه و سند بی بدیل است که می تواند انسان را به اصلاح امور دنیوی و اخروی رهنمون گردد (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۷۱: ۲۱۳). کسی معتقد به تحریف به زیاده نیست ولی درباره تحریف به نقیصه و کاستی اختلاف نظر هست اتفاق علمای اسلام معتقد به عدم تحریف قرآن هستند دلایل متعددی بر عدم تحریف وجود دارد.

علمای شیعه به اتفاق آراء معتقد به عدم تحریف قرآن هستند و شیخ صدوق آن را جزو اعتقادات شیعه برشمرده و مرحوم کاشف الغطاء آن را از ضروریات و بدیهیات می داند (همان، ۲۱۳).

برخی از دلایل عدم تحریف عبارتند از:

۱. آیه حفظ، ضمانت الهی: خداوند در آیه ۹ سوره حجر می فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾؛ «به راستی که ما قرآن را فرستادیم و با قدرت از آن محافظت می کنیم». این آیه نشان می دهد که قرآن از هر گونه تحریف و تغییری مصون است و کسی نمی تواند در آن دست ببرد (همان).

۲. عدم ورود هر گونه باطل به قرآن: بر اساس آیه ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت باطل از هیچ راهی در قرآن به هر شکل راه نداشته و نخواهد داشت (همان، ۲۲۱).

۳. ساختار متن موجود: متن موجود قرآن به گونه ای است که معجزه می باشد و همه انسان ها را تحدی و دعوت به مبارزه به آوردن مثل قرآن نموده است (همان، ۲۱۳).

۴. حدیث ثقلین: بر اساس حدیث متواتر ثقلین پیامبر دو چیز گران بها یکی قرآن و دیگری عترت را برای مسلمانان بعد از خودش باقی گذاشته، اگر کتابی که باقی گذاشته است تحریف شده باشد قابل تمسک نیست (همان، ۲۳۱).

دلایل دیگری نیز برای برای تحریف ناپذیری قرآن بیان شده است؛ از جمله روایات لزوم عرضه احادیث بر قرآن (همان، ۲۳۷) و....

۳- حجیت ظواهر

یکی از اصول مهم در فهم و تفسیر قرآن که برای همیشه راه فهم قرآن را هموار می‌سازد حجیت ظواهر قرآن است. آیت الله فاضل آن را از ارکان تفسیر قرآن برشمرده است. مهم‌ترین دلیل آن سیره عقلاست، بدین معنا که همواره عقلای عالم به ظواهر کلمات استناد می‌کنند و از طرفی شرع مقدس برای فهماندن مقاصد خویش روش خاصی برای خود اختراع نکرده بلکه برای سخن گفتن با مردم و فهماندن مقاصد خویش از الفاظ و عبارات و شیوه‌های معمول استفاده کرده است، بنابراین ظاهر قرآن مانند سایر ظواهر دارای حجت است. البته به آیاتی نیز از جمله آیات تدبّر و مانند آن نیز می‌تواند استناد نمود (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۷۱: ۱۷۰).

۴- جاودانگی قرآن

یکی از زیرساخت‌های تفسیر قرآن برای پاسخ‌گویی به نیازهای بشر این است که قرآن برای همه عصرها و زمان‌ها باشد بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست که قرآن تنها معجزه جاودان و تنها اثر ماندگار پس از نبوت پیامبر گرامی اسلام است. دین اسلام آخرین دین جاودان و ماندگار است و قرآن به عنوان دلیل و حجت بر اثبات این مدعا خود نیز باید جاودان باقی بماند، نبوت هم چنان که در ابتدا برای اثبات خویش نیاز به معجزه دارد برای خلود و بقا نیز نیاز به اعجاز دارد به ویژه اگر بخواهد تا ابد باقی و دائمی باشد (همان، ۸۱).

دلایل فراوانی برای جاودانگی قرآن از جمله ژرفای معنای باطل قرآن وجود دارد ولی بهترین شاهد و گواه می‌تواند خود قرآن باشد.

آیت الله فاضل با استدلال به آیه تحدی (اسراء/ ۸۸) می‌فرماید: مبارزه طلبی قرآن در این آیه تمام انس و جنس در همه زمان‌ها و مکان‌ها را شامل می‌شود و همین امر بیانگر جاودانگی اعجاز قرآن است.

هم‌چنین با توجه به آیه یک سوره ابراهیم می‌فرماید: بدیهی است که خارج ساختن مردم از تاریکی‌ها به روشنایی به واسطه قرآن مجید، لام در ﴿لِئُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ بیانگر جاودانگی قرآن مجید است. قرآن هنگامی می‌تواند برای نسل‌های آینده مشعل هدایت باشد که یک معجزه جاودانه باشد (همان، ۸۱).

نیز با توجه به تعبیر «عالمین» در آیه یک سوره فرقان ﴿لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ بر اساس آن، قرآن وقتی می‌تواند برای جهانیان اولین و آخرین هشدار دهنده باشد که جاوید باقی بماند (همان، ۸۲).

۵- جامعیت قرآن

یکی از ویژگی‌های قرآن فراگیر بودن و شمول قرآن است بدین معنا که قرآن دارای مجموعه‌ای کامل از رهنمودها برای سعادت بشر است، فرامین و رهنمودهای این کتاب آسمانی در همه زمینه‌هایی است که به سعادت و خوشبختی ابدی او ارتباط دارد، اگر این دستورات و رهنمودها نبود، انسان به هدف اصلی خود از آمدن به این جهان نمی‌رسید و نقصی برای دین تلقی می‌شد.

قرآن به جامعیت اشاره نموده می‌فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل / ۸۹)؛ «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که روشن‌گر همه چیز است و هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است».

این آیه بر جامعیت قرآن تأکید دارد و این که می‌فرماید: «قرآن بیان‌گر هر چیزی است، یعنی کمبودی در بیان مطالب ندارد و بیانگر کلیه مسائلی است که جزو معارف دین است و مردم از دین انتظار دارند و مطالبی که از آن سخنی به میان نیاورده از چیزهایی است که عقل توانایی پر کردن خلأ آن را دارد.

آیت الله فاضل معتقد به جامعیت قرآن و این که قرآن پاسخگوی نیاز تمام اقشار جامعه است، ایشان می‌نویسد: قرآن جواب‌گوی نیاز تمامی اقشار جامعه است و پاسخ‌گوی نیاز بشریت به معارف اصیل، اخلاق نیکو و احکام فروعی است (همان).

آیت الله فاضل نه تنها قرآن را جامع برای پاسخ‌گویی نیاز بشر دانسته است بلکه ادعای اعجاز در این زمینه نموده و یکی از وجوه اعجاز را مبارزه طلبی در زمینه تبیین نیازهای بشر می‌داند. وی با استدلال به آیه ۸۹ سوره نحل که پیش از این گذشت بر این باور است که قرآن اساس بیان هر چیزی است، ذکر این صفت (تبیاناً لکل شیء) برای قرآن نشان می‌دهد که فرو فرستنده آن نیز بر تمامی پدیده‌ها احاطه دارد به طوری که هیچ ذره‌ای در زمین و آسمان از نظر وی پنهان نیست، موجودی که احاطه علمی اش تابع وجود ذاتی و محدودش باشد چگونه می‌تواند کتابی بیاورد که بیانگر همه چیز است (فاضل لنکرانی، اصول فقه شیعه، ۱۳۸۱: ۹۴).

هم‌چنین وی در پاسخ این شبهه که قرآن چگونه بیان‌کننده هر چیزی است در حالی که بسیاری از جزئیات احکام را بیان نکرده می‌فرماید: قرآن بیانگر امور کلی و سرفصل مطالب است. در واقع پیامبر بیانگر جزئیات و ویژگی‌هاست. قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد تا به اوامر و نواهی پیامبر عمل نمایند. (حشر/۷). در واقع قرآن بیانگر هر چیزی به طور کلی است و بیان تمام جزئیات مربوط به یک چیز نیست و بخش دوم (بیان جزئیات) جزو وظایف پیامبر محسوب می‌شود (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۷۱: ۹۵).

راهکارهای پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای بشر

برای پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای بشر راهکارهایی وجود دارد؛ برخی از راهکارها در حوزه قواعد، برخی از راهکارها در حوزه روشی و برخی راهکارها نیز در حوزه مباحث علوم قرآنی است؛ که آیت‌الله فاضل نیز در این زمینه تبیین نموده‌اند:

یک - راهکارهای پاسخ‌گویی در حوزه قواعد

۱. حقیقی بودن گزاره‌های قرآنی

درباره این‌که گزاره‌های قرآنی و قوانین و احکام آن آیا شخصی است و مربوط به احکام خارجی است یا حقیقی و کلی است؟ به تعبیر روشن‌تر آیا خطابات و قضایای قرآنی شامل همه افراد در همه زمان‌ها می‌شود یا مربوط به افراد خاص و برای زمانی خاصی است. به عبارت دیگر آیا قضایای قرآنی قضایای خارجی است یا حقیقی؟ برخی قضایا را به دو قسم کرده‌اند؛ قضایای حقیقی و قضایای خارجی (سبزواری، شرح منظومه، ۱۳۶۹: ۶۹۷).

منظور از قضایای خارجی آن است که موضوع در قضیه و گزاره امر بالفعل و ثابت شده در خارج است مانند حکم ولی امر مسلمین برای راهپیمایی در روز خاص، روشن است که مربوط به افرادی می‌شود که در همان زمان حضور دارند و منظور از قضایای حقیقی آن است که حکم روی طبیعت یا عنوان کلی می‌رود و حکم روی افراد نمی‌رود. در طبیعت کلی هیچ محدودیتی نیست که افرادش در خارج موجود باشند یا نه؟ و قابل صدق بر تمام افراد می‌شود چه در زمان حال و یا آینده باشند.

علمای اسلامی معتقدند قضایا در قرآن و اسلام به شکل قضایای حقیقی است یعنی طبیعت اشیاء را در نظر گرفته است مانند خمر حرام است یا غضب حرام است و مانند آن (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۵: ۲۱/۲۸۶-۲۸۸).

آیت الله فاضل، خطابات و قضایای قرآنی را از نوع قضایای حقیقی می‌داند که هم شامل موجودین می‌شود و هم شامل معدومین، هم آنان که در زمان خطاب حاضر بوده‌اند و هم آیندگان و تنها در این صورت است که قرآن می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای بشر در هر زمان باشد (فاضل لنکرانی، دراسات فی الاصول، ۱۳۸۰: ۲/۵۱۹).

قضایای قرآنی و گزاره‌های آن اگر از نوع ادله و قضایایی باشد که خطاب در آن متوجه افراد نیست، روشن است که نوع قضیه حقیقی است و شامل همه می‌شود و اگر از نوع انشایی باشد باز هم به دلیل اطلاق آن فرقی بین موجودین و معدومین نیست و به طور مستقیم به اصالة الاطلاق تمسک می‌کنیم و ذکر مؤمنان در برخی آیات از باب مثال و اشاره به خصوصیات برخی از مکلفین است ولی شامل جمیع مکلفین تا روز قیامت می‌شود (همان).

۲. ثابت و متغیر در دین (احکام اولیه و ثانویه)

بر مبنای قرآن کریم دو نوع احکام و قوانین بر اساس نیازهای بشر وجود دارد:
اول - احکام و قوانین ثابت (اولیه)؛ بدون شک انسان نیازهای ثابت دارد، به آن نیازهای خطری نیز می‌گویند احکام ثابت در قرآن و شریعت، پاسخ‌گوی جنبه‌های پایدار در زندگی فردی و اجتماعی است، مانند نیازمندی انسان به پرستش، ازدواج، مسائل دادرسی، امنیت، عدالت، آزادی و....

دوم - احکام و قوانین متغیر (ثانویه)؛ با گذشت زمان و پدید آمدن کشفیات، علوم و صنایع، شکل زندگی انسان و چگونگی آن‌ها از طبیعت، نهادهای اجتماعی و ارتباطات، دست‌خوش تغییر و تحول گردیده و انسان نیازهای جدید و پیچیده‌ای متناسب با محیط و عصر خود پیدا می‌کند (مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ۱۳۷۹: ۷)، که می‌توان به خرید و فروش اعضای بدن، بیمه، حقوق کار و کارگر، باروری و نازایی، حقوق کار و کارگر و نمونه‌های فراوان دیگر از نوع احکام حکومتی یا احکام ثانوی نام برد.

این دو نوع قانون نه تنها با هم منافات ندارد، بلکه مکمل یکدیگر هستند و در قرآن کریم

هر دو نوع احکام وجود دارد، بحث وجوب نماز، روزه، ازدواج و... از نوع اول و مباحثی از نوع قاعده نفی عسر (بقره/ ۱۸۵) و قاعده نفی حرج (حج/ ۷۸)، قاعده نفی سبیل (توبه/ ۹۱)، قانون عدم تسلط کفار بر مسلمانان و... از نوع دوم می‌باشد. قوانین نوع دوم قدرت شگرف جواب‌گویی اسلام به مسائل جدید می‌رساند.

بنابراین، اسلام از آن نظر که دارای قوانین جاذ و نسخ‌ناپذیر است نباید با قابل انعطاف بودن آن که امری است مربوط به سیستم قانون‌گذاری یکی فرض شود و این دو کاملاً از هم جدا هستند (مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ۱۳۷۹: ۸). ولی مرتبط و مکمل یک‌دیگر. این موضوع هم در زمان حضور ائمه و هم در زمان غیبت کاربرد دارد.

آیت الله فاضل ضمن اشاره به آن می‌فرماید:

«اطیعوا الله» یعنی در احکام الله، اطیعوا الرسول یعنی در فرمان‌های حکومتی؛ بر همین مبنای، در اولی الامر (امامان معصوم علیهم‌السلام) اطیعوا تکرار نگردیده است، چون منظور فرمان‌های حکومتی بوده و حکومت رسول (ص) به آنان نیز منتقل شده است.

آیت الله فاضل با توجه به آیه شریفه ۵۹ نساء می‌فرماید: احکام بر دو دسته تقسیم می‌شود یکی احکام الله یعنی میان حلال و حرام خدا و دیگری فرمان‌ها و احکام حکومتی.

پیغمبر و امامان معصومین علیهم‌السلام زمانی که احکام الله را بیان می‌کند و از حلال و حرام و مانند آن سخن می‌گویند و مردم را برای عمل به واجبات و ترک محرمات دعوت می‌کند در مقام بیان احکام الله هستند، ولی زمانی که خودشان تشکیل حکومت داده‌اند و مردم را به جنگ کردن و تأمین وسائل جنگی و مانند آن دستور می‌دهند. این‌گونه فرمان‌ها، فرمان‌های حکومتی است این‌ها غیر از احکام خداست که در قرآن آمده و به رسول الله وحی شده است. به همین دلیل است که در آیه شریفه لفظ «اطیعوا» تکرار گردیده است (فاضل لنکرانی، آیین‌کشورداری از دیدگاه حضرت علی علیه‌السلام، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

۳. نظریه منطقه الفراغ

یکی از نظریاتی که عامل پاسخ‌گویی قرآن برای همه نیازهای بشر است نظریه «منطقة الفراغ» است، این نظریه قلمرو گسترده‌ای دارد که می‌تواند در حوزه‌های مختلف قرآنی، هم‌چون سیاست، روان‌شناسی، اقتصاد، مدیریت و... کارآمد باشد و راه‌کاری برای پاسخ‌گویی به نیازهای زمان است.

«منطقة الفراغ» از نظر شهید صدر عبارت است از: اموری که شارع در مورد آنها حکم خاصی بیان نکرده و احکام آنها را به دولت و ولی امر واگذار کرده است که طبق اهداف عام اسلامی و مقتضیات هر زمان بیان شود (صدر، اقتصادنا، ۱۴۱۸: ۳/ ۴۴۳).

شهید صدر این نظریه را در بحث اقتصاد مطرح کرده است اما اختصاصی به اقتصاد ندارد بلکه در سایر حوزه‌های علوم مانند: سیاست، حقوق، تربیت و... نیز جاری است. مهم‌ترین دلیل نظریه مذکور آیه ۵۹ سوره نساء ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ است، اطاعت از رسول و اولو الامر با توجه به مقام (رسالت و ولایت) ایشان است و از آن جا که اطاعت تکرار شده است نتیجه می‌گیریم که اطاعت خدا غیر از اطاعت رسول است. یعنی احکام الهی غیر از احکام حکومتی رسول و اولی الامر است (همان).

منطقة الفراغ مربوط است به هر فعلی که از منظر شریعت حکمی ندارد یا مباح است، در این صورت ولی امر می‌تواند با دادن یک حکم یا صفت ثانوی به آن فعل، از آن منع کند یا بدان امر نماید. اما مواردی که حرمت عام تشریحی آن اثبات شده است، مانند ریا یا خمر و... ولی امر نمی‌تواند در آن حقی داشته باشد، زیرا اطاعت واجب از ولی امر، محدود است، به صورتی که با اطاعت خدا و احکام عامه در تعارض نباشد (همان، ۴۴۴ و ۸۴).

هم چنین می‌توان شواهدی از آن در عهدنامه مالک اشتر یافت و آن امر مؤکد امام علی علیه السلام به محدود کردن قیمت‌ها است: «والاسعار لاتجحف بالفریقین فی البایع والمبتاع» (نهج البلاغه، نامه مالک اشتر) در خرید و فروش به نرخی معامله شود که به فروشنده و خریدار اجحاف نشود.

آیت الله فاضل لنکرانی اگرچه تصریح به «منطقة الفراغ» ننموده‌اند، اما به موضوع و محتوای و دلایل آن اشاره نموده است، ایشان نیز همانند شهید صدر معتقد است که آیه ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ چون اطاعت تکرار شده است اطاعت خدا مربوط به احکام تشریحی ثابت است و اطاعت رسول و اولو الامر مربوط به مسائل مربوط به حکومت و دولتی است.

وی می‌فرماید: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ﴾ در احکام الله و ﴿أَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ یعنی در فرمان‌های حکومتی. زمانی که خودشان تشکیل حکومت داده‌اند و مردم را به جنگ کردن و تأمین وسایل جنگی و مانند آن دستور می‌دهند، این‌گونه فرمان‌ها، فرمان‌های حکومتی است این‌ها غیر از

احکام خداست که در قرآن آمده و به رسول الله وحی شده است به همین دلیل است که در آیه شریفه (نساء/ ۵۹) لفظ «أطیعوا» تکرار شده است (فاضل لنکرانی، آیین کشورداری از دیدگاه حضرت علی علیه السلام، ۱۳۷۹: ۵۱).

بر همین مبنا در اولوالامر (امامان معصوم) اطیعوا تکرار نگردیده است چون منظور فرمان‌های حکومتی بوده و حکومت رسول الله به آنان نیز منتقل شده است (همان). «اطیعوا الله» یعنی در احکام الله و «اطیعوا الرسول» یعنی در فرمان‌های حکومتی.

آیت الله فاضل به سخن امام علی علیه السلام به مالک اشتر که به آیه فوق استناد کرده است اشاره می‌کند: «این که در ذیل آیه ﴿فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ اگر در چیزی نزاع کردید به خدا و رسول بازگردانید. «ردّو» بازگرداندن به خدا، همان عمل به محکّمات کتاب او و بازگردانیدن کار به رسول یعنی عمل به سنت قطعی و مورد اتفاق».

با توجه به این بیان دستورات رسول به دو دسته تقسیم می‌شود: بیان احکام الله، فرمان‌های حکومتی (همان).

این استدلال همان استدلال شهید صدر است اگرچه تصریحی به عنوان «منطقه الفراغ» نکرده است. شهید مطهری نیز اختیارات پیامبر و امامان معصوم و در ادامه آن مجتهدان شایسته که جانشینان عام آنان هستند، یکی از راه‌های پاسخ‌گویی به نیازهای زمان می‌داند، این اختیارات از پیغمبر به امام منتقل می‌شود و از امام به حاکم شرعی مسلمین (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۵: ۲۱/۳۳۷).

۴. عدم اختصاص مفهوم آیه به سبب نزول

یکی از قواعدی که در بحث اسباب نزول مطرح است، این که سبب نزول موجب تخصیص آیه نمی‌شود. برای بسیاری از آیات قرآن سبب نزول‌هایی ذکر شده است، روایات اسباب نزول اگرچه همه دارای اعتبار نیستند اما تأثیر مهمی در فهم و تفسیر قرآن دارد و باعث دقیق‌تر شدن فهم آیه می‌شود.

۹۵ حال اگر آیه‌ای به سبب حادثه یا واقعه‌ای و یا در پاسخ حادثه‌ای نازل شد آیا آن آیه اختصاص به همان حادثه پیدا می‌کند یا خیر؟ دانشمندان علوم قرآنی، مورد را مخصص نمی‌دانند و معتقدند سبب نزول، موجب تخصیص آیه قرآن نمی‌شود بلکه آیه معنای عامی دارد که سبب نزول تنها یک مصداق آن می‌باشد و می‌توان آیات را در مصادیق دیگر جریان دارد.

آیت الله فاضل نیز می‌فرماید: شأن نزول، سبب اختصاص آیه نمی‌گردد، آیات زیادی داریم که شأن نزول خاصی دارد و در عین حال معنای آیه عام و گسترده است (فاضل لنکرانی، شرح فارسی تحریر الوسیله، ۱۳۹۰: ۳/۳۲۹). مطابق این قاعده مصادیق و معانی گسترده‌ای برای آیات قابل استخراج است.

دو- راهکارهای پاسخ‌گویی در حوزه روشی

۱. استنباط از قرآن و اجتهاد پویا

یکی از راهکارهای مهم پاسخ‌گویی در حوزه روشی شیوه استنباط و اجتهاد پویاست، بدین معنا که مجتهد بر اساس منبع معتبر یعنی قرآن، سنت، عقل و اجماع به استنباط می‌پردازد و پاسخ لازم را به پرسش‌های نهایی خود ارائه می‌کند، اجتهاد قوه محرکه اسلام است. استاد مطهری «تفقه در دین» را به معنای وسیعی می‌داند که بالاتر از علم سطحی باشد و در جایی که گفته می‌شود که یک دانش عمیقی پیدا کند و از پوسته ظاهری اسلام بالاتر بفهمد (همان). آیت الله فاضل فقه و اجتهاد پویا را فقهی می‌داند که با حکومت مرتبط و پاسخ‌گوی برنامه‌های حکومت اسلامی باشد و قابل پیاده شدن در حکومت اسلامی باشد (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۷۱: ۲۹).

یکی از ویژگی‌های استنباط از قرآن و اجتهاد پویا توجه به عنصر زمان و مکان است، امام خمینی علیه السلام زمان و مکان را در اجتهاد مؤثر می‌دانستند و فرموده‌اند: «زمان و مکان در اجتهاد نقش دارد» هم‌چنین معتقد بودند: «قوانین اسلام همیشه با شرایط زمان و مکان قابل تطبیق است» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۵: ۵/۲۹۳) و «یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌هاست» (همان، ۲۱/۲۱۷).

آیت الله فاضل در توضیح سخن امام خمینی که در نامه خود به شورای نگهبان فرمودند: «زمان و مکان در اجتهاد نقش دارد» می‌فرماید: هدفشان اجتهاد قابل پیاده شدن در حکومت اسلامی بود، زیرا حکومت اسلامی تنها اجتهادی را می‌تواند پیاده کند و بر مبنای آن عمل که با توجه به مقتضیات زمان و مکان پی‌ریزی شده باشد. موضوع نقش زمان و مکان در میان فقهای گذشته دارای سابقه است؛ فتوای معروف و تاریخی میرزای بزرگ شیرازی که در مورد تحریم تنباکو صادر فرمودند، بر کدام آیه و کدام روایت که دلالت بر حرمت استعمال تنباکو

دارد استوار بود؟ آیا میرزای شیرازی به اصالة البرائة قائل نبود؟ چرا وقتی می‌بینیم استعمال دخانیات اساس استقلال یک حکومت به ظاهر اسلامی را تهدید می‌کند، به حرمت آن فتوا صادر می‌کند و برای همین هم کلمه «الیوم» را در آن به کار می‌برند، معنای کلمه این است که شرایط هر روز در اجتهاد اثر می‌گذارد و اگر خود «الیوم» نباید در اجتهاد دخالت داشته باشد. اجتهاد یوم به یوم ندارد اما اجتهادی که بخواهد مبنای عمل قرار گیرد «الیوم» در آن وجود دارد، «المکان» هم در آن وجود دارد، پس مقصود از فرمایش امام که «زمان و مکان دو عنصری هستند که در اجتهاد نقش دارد» اجتهادی است که می‌خواهد در حکومت اسلامی پیاده و اجرا شود (فاطمی موحد، مبنای فقهت، ۱۳۷۱: ۲۹). یکی دیگر از ویژگی‌های اجتهاد پویا، اجتهاد شورایی و تعیین مصداق است توضیح این‌که در صورت ایجاد مشکل و بروز مسائل حاد و خاص مانند بیمه، احکام بانک و بانک‌داری، حق اختراع، حق طبع و... بسیار به جاست جمعی از فقها به صورت شورایی و تعیین مصداق به حل مسائل پرداخته و نیازهای معاصر را پاسخ دهند (همان). آیت الله فاضل تعیین مصداق و شروط آن را در اختیار مجتهد می‌داند که مجتهدان طبق قوانین و قواعد اصولی، موارد و افراد آن را باید مشخص و بیان نمایند (فاضل لنکرانی، اصول فقه شیعه، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

۲- توجه قرآن به قانون و قانون‌گذاری

نظام قانون‌گذاری در قرآن، نظامی جامع و کامل است، این نظام به گونه‌ای طراحی شده است که انعطاف‌پذیر است و می‌تواند در زمان‌های مختلف پاسخ‌گوی نیازهای بشر باشد، نظام قانون‌گذاری قرآن خود از موارد اعجاز قرآن به شمار می‌رود؛ آیت الله فاضل می‌فرماید: «توجه قرآن به نظام و شریعت و ذکر قوانین و مقررات خاص به ویژه در مقایسه با مقررات رایج در دوران نزول قرآن از دیگر موارد بی‌شمار اعجاز قرآن به شمار می‌آید» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۷۱: ۷۰؛ ترجمه، ۱۳۸۱، ۱۲۶).

این قوانین **اولاً**: دارای جامعیت است و شامل دنیا و آخرت هر دو می‌باشد.

آیت الله فاضل می‌نویسد:

«قرآن شامل دنیا و آخرت می‌شود و هر دو جهان را مورد توجه قرار داده و برای سعادت دو جهان اهمیت قائل شده است، قرآن به جهان آخرت به عنوان هدف غایی و مورد نظر و مهم ادیان و شرایع الهی می‌نگرد» (همان، ۷۲؛ ترجمه، ۱۲۸).

وی با استشهاد به آیه ۷۷ سوره قصص، توجه قرآن را به دو جهان تبیین می‌نماید (همان).
ثانیا: قوانین قرآن با فطرت انسان هماهنگ است.

آیت الله فاضل می‌نویسد: قوانین و شرایع قرآن با دلایل واضح، فطرت سالم و اخلاق نیکو هم‌خوانی دارند به طوری که در رعایت، اجرا و پایبندی نسبت به آن‌ها در گفتار و رفتار و در ظاهر و باطن به هیچ وجه شائبه عیب و نقص و ضعف و سستی وجود ندارد و به واسطه آن‌ها می‌توان به سعادت دل‌خواه و آسایش مادی و معنوی دست یافت (همان، ص ۷۳؛ ترجمه، ص ۱۲۸). ایشان به قانون عدل اشاره می‌نمایند که هم در عالم تکوین جریان دارد و هم در میان بشر که در تمام زندگی راه عدل و انصاف پیش گیرند. مهم‌ترین دلیل آن آیه ۹۰ از سوره نحل ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...﴾ است (همان).

برای قانون‌گذاری و شیوه بهره‌برداری از احکام قرآنی نکات ذیل قابل توجه است:

۱. حجیت و توجه به ظواهر قرآن: منظور از ظاهر قرآن که دارای حجیت است همان ظاهری است که لغوی آن را می‌فهمد و قرینه‌ای عقلی یا نقلی معتبر بر خلاف آن وجود ندارد (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۷۱: ۱۷۰).

۲. استفاده از روش ائمه در استدلال و استنباط از قرآن کریم: در روایات زیادی ائمه اطهار علیهم‌السلام به شاگردان خود تعلیم داده‌اند که چگونه از قرآن، احکام و مسائل را استنباط کنند (همان، ۱۷۴-۱۷۷). مانند روایت زراره از امام باقر علیه‌السلام که به زراره تعلیم داد برای مسح بعض سر از واژه «باء» استفاده نماید (کلینی، کافی، ۱۳۸۸: ۳/۳۰).

۳. توجه به حکم عقل قطعی: هرگاه دلیل قطعی عقلی بر موضوعی و مسئله‌ای داشته باشیم، عقل به عنوان رسول باطنی و دارای حجت است و با آن نمی‌توان مخالفت کرد. مانند استفاده از عقل در استعمالات مجازی از جمله آیات متشابه مانند ﴿الرَّحْمَانُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ (طه / ۵).

۳. بطن قرآن

بر اساس روایات متعدد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام قرآن کریم دارای ظاهر و باطن است (ر.ک: عیاشی سمرقندی، تفسیر عیاشی، ۱۴۱۱: ۱/۹-۱۱)، یعنی افزون بر معنا و دلالت ظاهری الفاظ، دارای معانی پنهان که گاهی از راه دلالت‌ها از جمله دلالت التزامی به دست

می‌آید و گاهی با راهنمایی اهل بیت علیهم‌السلام و راسخان در علم قابل دسترسی است، امکان بیان همه بطون قرآن همواره ممکن نیست ولی می‌توان از شیوه‌های خاصی معانی را به دست آورد که برای زمان‌های مختلف قابل استفاده باشد.

در این باره دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد:

علامه طباطبایی معتقد است که ظاهر و بطن معانی طولی و نسبی هستند، ظاهر همان معنای ظاهر و بطن معنای نهفته در زیر آن است چه آن معنای یکی باشد یا بیشتر نزدیک به معنای ظاهری باشد یا دور از آن (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷: ۷۴/۳). این لایه‌های متعدد معنایی نسبی است یعنی هر کدام نسبت به لایه‌ی زیرین خود ظاهر و نسبت به لایه بالاتر بطن به حساب می‌آید.

برخی نیز بطن را از لوازم و ملزومات معنای مستعمل دانسته‌اند که هر کسی نمی‌تواند به آن دست یابد جز ائمه معصومین علیهم‌السلام (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۴).

برخی نیز آن را همان معنای مطابقی دانسته‌اند، آیت الله فاضل این دیدگاه اخیر را صحیح نمی‌داند، زیرا در روایات چنین قرینه‌ای وجود ندارد که معنای باطن همان معنای لفظ باشد و چه بسا معانی که در روایات وارد شده است معنای ظاهری لفظ نیز نیست.

هم‌چنین ایشان باطن را به معنای دلالت التزامی نقد می‌نمایند، اما این دیدگاه را نپذیرفته و خود دیدگاه دیگری را می‌پذیرد و آن معنای احتمالی برای یک آیه است، زیرا قرآن اولاً ذو وجوه و دارای احتمالات معنایی مختلف است، که امام علی علیه‌السلام به ابن عباس فرمود. ثانیاً وقتی به تفاسیر مراجعه می‌کنیم در یک آیه معانی مختلفی در تفاسیر وجود دارد. ثالثاً مؤید دیگر تعبیر خود روایات به بطن است (فاضل لنکرانی، اصول فقه شیعه، ۱۳۸۱: ۳۴۴/۲ و همو، دراسات فی علم الاصول، ۱۳۸۰: ۱/۳۶۴).

نتیجه

قرآن می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای بشر باشد و دانشمندان اسلامی در این موضوع تصریح دارند، آیت‌الله فاضل لنکرانی به عنوان یکی از فرزندان و دانشمندان اسلامی معتقد است که قرآن پاسخ‌گوی نیازهای بشر است و این یکی از وجوه اعجاز قرآن است. این دیدگاه می‌تواند مرجعیت علمی قرآن را در حوزه‌های مختلف به اثبات برساند و قرآن می‌تواند به عنوان مرجعی برای علوم انسانی و علوم طبیعی باشد، نیز ثابت می‌کند که بشر می‌تواند برای هدایت‌های معنوی و مادی خود به یک کتاب معتبر و الهی تا روز قیامت تکیه نماید، در این صورت است که جایگاه رفیع قرآن روشن می‌شود و برتری و مهیمن بودن آن بر تمام کتاب‌های آسمانی روشن می‌نماید، قابل توجه است، که پاسخ‌گویی قرآن بر اساس مبانی خاصی از جمله؛ الهی بودن قرآن، عدم تحریف، حجیت ظواهر و جامعیت آن می‌باشد. راه‌کارهایی نیز وجود دارد، که می‌توان نیازها را به وسیله قرآن پاسخ گفت از جمله: حقیقی بودن گزاره‌های قرآن، وجود احکام ثابت و متغیر در دین، اجتهاد پویا، وجود باطن برای قرآن. این راه‌کارها با وجود برخورداری قرآن در حوزه قانون و قانون‌گذاری منبع هدایت بشر خواهد بود.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و توزیع (دار صادر)، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۲. آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایة الاصول، شرح سید محمدحسین شیرازی، قم: دارالایمان، ۱۴۰۶ق.
۳. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۲۴ق.
۴. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۹۶ق.
۵. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبد الله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۶ق.
۶. سبحانی، جعفر، الموجز فی اصول الفقه، قم: مدرسة الامام الصادق، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷ش.
۷. سبزواری، ملاهادی، شرح منظومه، تهران: نشر ناب اول، ۱۳۶۹ش.
۸. الشاطبی، ابواسحاق، الموافقات فی اصول الشریعة، بیروت: دارالمعرفة، ۱۹۹۴م.
۹. صدر، محمد باقر، اقتصادنا، نجف: مکتبة الصدر، ۱۴۱۸ق.

۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، (امین الاسلام)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۹ق.
۱۲. طنطاوی بن جوهری، الجواهر فی تفسیرالقرآن الکریم، به کوشش احمد سعدعلی، قاهره: مؤسسه مصطفی بابی حلبی، ۱۳۵۵ق.
۱۳. علوی مهر، حسین، روش ها و گرایش های تفسیری، قم: اسوه، چاپ دوم، ۱۳۸۹ش.
۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۱ق.
۱۵. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، احياء العلوم (الاحیاء)، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۲ق.
۱۶. فاضل لنکرانی، محمد، شرح فارسی تحریر الوسیله، حدود، قم: انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۹۰ش.
۱۷. فاضل لنکرانی، محمد، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۹ش.
۱۸. فاضل لنکرانی، محمد، اصول فقه شیعه، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۱ش.
۱۹. فاضل لنکرانی، محمد، محمد آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۹ش.
۲۰. فاضل لنکرانی، محمد، دراسات فی الاصول، از طبع جدید، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۰ش.

۲۱. فاضل لنکرانی، محمد، سینای فقاہت، حسن فاطمی موحد، قم: امیرالعلم، ۱۳۷۱ ش.
۲۲. فاضل لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش.
۲۳. فاضل لنکرانی، محمد، مقدمات بنیادین علم تفسیر، مترجم محمد رسول دریایی، تهران: انتشارات بنیاد قرآن، ۱۳۸۱ ش.
۲۴. کلانتری، ابراهیم، قرآن و چگونگی پاسخ‌گویی به نیازهای زمان، قم: دفتر نشر معارف، چاپ دوم، ۱۳۶۱ ش.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالمکتب الاسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۸-۱۳۸۹ ش.
۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی، قرآن‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۲۷. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران: صدرا، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۹ ش.
۲۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ ش.
۲۹. معرفت، محمد هادی، تناسب آیات، ترجمه عزت‌الله مولایی نیا، قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۳۰. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۵.
۳۱. معرفت، محمد هادی، قلمرو معارف قرآن و ارزش فهم‌ها از قرآن، مجله معرفت، ش ۶، پاییز ۱۳۷۲، ص ۵-۷، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله.

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، قم: انتشارت مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۴۳۵ق.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، دائرةالمعارف فقه مقارن، قم: مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۴۲۷ق.
۳۵. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، قم: مؤسسه حفظ و نشر آثار حضرت امام خمینی، ۱۳۷۱ش.